

پشت جلد

نه؟!

● **کریم ارغنده‌پور:** یکی از کاربران در توئیتر نوشته بود: «کاش شهرداری تهران بخشی از هزینه تولید بیلبوردهای سیاسی را به خرید تجهیزات لازم برای آتش‌نشانی اختصاص می‌داد». به نظرم در ادامه همین نظر می‌توان گفت کاش شهرداری (و البته صداوسیما) به‌جای ورود در اختلافات سیاسی، بخشی از ثروت عمومی را صرف آموزش مؤثر جامعه برای مواقع بحران می‌کرد. وقتی به موضوع این یادداشت فکر می‌کردم، به نظر می‌رسید چقدر نیازمند آشنایی با جامعه‌شناسی بحران‌های شهری هستیم. این یادداشت البته ظرفیت پرداختن به همه ابعاد ماجرا را ندارد، ولی اجازه دهید به‌طور گذرا به دو موضوع مهم اشاره کنم. اول اینکه رعایت «ایمنی» در ساختارهای شهری گویی جزء کالاهای لوکس است و کمتر جدی گرفته می‌شود. ساختمان پلاسکو تنها ساختمان شاخص ناامن در شهر نبود. ایمنی رکن مهم همه اجتماعات است، ولی آیا مثل سایر ارکان جدی گرفته می‌شود؟ مثلاً اگر ساختمانی، سقف یا پله نداشته باشد استفاده نمی‌شود، ولی آیا اگر ایمن هم نباشد چنین است؟ جواب کاملاً روشن است. همان‌طور که ما بدون کلاه ایمنی موتورسیکلت می‌رانیم و در بستن کمربند ایمنی‌مان در اتومبیل سهل‌انگاریم، در رعایت نکات ایمنی در ساختمان هم کم‌توجه هستیم. هر سال خبرهای زیادی درباره مدارس که ساختمان‌های ناامن دارند منتشر می‌شود، ولی کمتر کسی آنها را جدی می‌گیرد؛ نه جامعه و نه نهادهای مسئول و نه شهرداری از دادن مجوز استکاف می‌کنند، نه دولت و نه بقیه. چه باید کرد؟ اینجااست که موضوع دوم، یعنی «عدم حاکمیت قانون» مطرح می‌شود. ناقص یا کامل، بالاخره قوانینی برای رعایت ایمنی‌های شهری وضع شده است، ولی رعایت نمی‌شوند چرا؟ چون قانون، حاکمیت ندارد. چرا قانون محترم نیست؟ این اساسی‌ترین آسیب‌شناسی اجتماعی ماست. روز پنجشنبه تهران و در یک نگاه کلی همه ایران در سوگ فروریزی ساختمان پلاسکو و خسارات دردناک انسانی ناشی از آن گریست. وقش است که جدی‌تر به خود آییم و به ریشه‌های کاستی‌ها توجه کنیم؛ ورای اختلافات و منافع سیاسی، فرای این فرد و آن فرد مسئول و غیرمسئول، در کنار آنکه لازم است یاد بگیریم درهمه‌حال «پاید» راه را برای آمبولانس و اتومبیل آتش‌نشان و پلیس باز کنیم، باید راه را برای اصلاحات فراگیر اجتماعی هم باز کنیم تا از بروز فجایع بیشتر در آینده پیشگیری کنیم. دور باطل وقوح فاجعه و حسرت و اندوه و بغض و احیاناً کمی شعار و بعد فراموشی باید یک‌جا بالاخره تمام شود، نه؟!

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۲ بهمن ۱۳۹۵ • ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۴۳۸ • ۲۱ ژانویه ۲۰۱۷ • سال چهاردهم • شماره ۲۷۸۲ • ۲۰ صفحه •ویژه‌نامه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۶ • اذان مغرب ۱۷:۴۰ • اذان صبح فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۱

روزنامه‌فردا

کارتون خواب

سحرگاهان

هیات دولت در پی وقوع حادثه ساختمان پلاسکو شبیه را عزای عمومی اعلام کرد



ماجرای عشق و عاشقی میدون

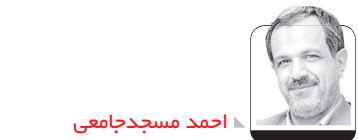
فرمول مشترک حضور مردم و مسئولان در حوادث

به **مصدومان** کمک کنیم؟ نه؛ چون فیلم بگیریم و عجیب‌ترین و تکان‌دهنده‌ترین صحنه مصیبت را منتشر کنیم. حتما هم روی فیلم‌هایی که منتشر کردیم نشانی اینستاگرام خود را نوشتیم که یک‌موقع زحماتمان هدر نشود. همین زحمت ما مردم عادی یکی از دلایل اصلی مشکل در امدادرسانی بود. این از ما مردم عادی، اما مسئولان چی؟ مسئولان هم عین ما. منتظر یک فاجعه هستند. آنان واقعا شبیه ما هستند چون براین‌دا می‌هستند. این اساتید که از مریخ نیامده‌اند، اینها به صورت مستقیم یا غیرمستقیم با رای ما مردم عادی بالا آمده‌اند؛ مثل آقای احمدی‌نژاد که اول با رای غیرمستقیم ما به شورای شهر، شد شهردار، بعد با رای مستقیم ما (چه بهش رای دادیم، چه در انتخابات شرکت نکردیم) شد رئیس‌جمهور. حالا هم ما دیروز، پریروز نشسته بودیم پای تلویزیون و داشتیم اخبار آتش‌سوزی را مرور می‌کردیم، بیکهو دیدیم چندتا از این مسئولان که از صبح پیدایشان نبود، کت و شلوار قشنگه را پوشیده و آمده‌اند جلو دوربین و دیگر نه آنها از جلو دوربین کنار می‌روند، نه دوربین

از آنها چشم برمی‌دارد. یک‌طوری هم این اساتید را تلویزیون نشان می‌دهد که انگار زورو و بتمن یکهو آمده‌اند وسط حادثه؛ یعنی یک‌طوری مدیربازی درمی‌آوردند که انگار واقعا فیلم تبلیغاتی است. نه دوست من، فیلم تبلیغاتی نیست، اگر هم باشد برای شماس‌ت، آن‌طرف دوربین، آدم‌ها و آتش‌نشان‌ها زیر آوار مانده‌اند. به همین سادگی.

می‌بینید فرمول حضور ما مردم عادی و مسئولان در حوادث، عین هم است. جفتمان دوست داریم بیشتر دیده شویم. دوست داریم لایک بخوریم. شاخ بشویم و اگر یا داد، نماینده شورا، مجلس و رئیس‌جمهور.

درحالی‌که هم ما مردم عادی و هم مسئولان اگر قبل از این حوادث مکرر ایران که گویی تمامی ندارد، به مسئولیت‌مان درست عمل کرده بودیم این حوادث یا اتفاقات رخ نمی‌داد یا طور دیگری رخ می‌داد. مدیریت این نیست که یک چیزی خراب شد آدم بیااید و بگوید چطوری خرابی‌ها را با خاک‌انداز جمع کنید. مدیریت این است که قبل از به‌بارآمدن خرابی، به آبادانی فکر کنیم.



احمد مسجدجامعی

در روزی که قرار بود به مناسبت هفته هوای پاک، تهران‌گردی را به بازدید از فضاهای سبز شهر اختصاص دهیم، موج غم و اندوهی که از حادثه دلخراش و اسفناک پلاسکو در میان مردم بود، ما را به سمت بخش‌های کم‌تردیده‌شده این فاجعه برد. اگرچه از صبح پنجشنبه، چشم‌های نگران متوجه چهارراه استامبول و ساختمان قدیمی پلاسکو بود، صبح جمعه به ایستگاه مرکزی انتقال خون تهران رفتیم و از دیدن جمعیتی که در صفوف منظم منتظر اهدای خون بودند متعجب شدیم. یکی از اعضای این مرکز به من آقای رحمت‌الله حافظی – که از صبح همراه من بودند– گفت که در این ۳۰ سال کار و فعالیت– جز در روزهای جنگ تحمیلی– به یاد ندارم

روزی مثل امروز، اهدای خون با چنین استقبالی مواجه شده باشد. جمعیتی که برای اهدای خون به این مرکز آمده بودند به حدی بود که سازمان انتقال خون مجبور به اعزام برخی از نیروهای خود از شهرستان‌ها و مناطق اطراف تهران به این مرکز شده بود. پس از دیدن چنین صحنه‌های افتخارآفرینی از حضور مردم، راهی ایستگاه مرکزی آتش‌نشانی تهران در میدان حسن‌آباد شدیم. در بیرون و کنار تندیس آتش‌نشانان، با دسته‌های گل و جملاتی مواجه شدیم که مردم برای قدردانی از ایثار و فداکاری آتش‌نشانان در حادثه پلاسکو نوشته بودند. دو گل سرخ و تکه‌ای کاغذ نظرم را جلب کرد. روی کاغذ نوشته شده بود: «آتش‌نشانی! تو خیلی مُردی». حرکتی فراگیر از عصر پنجشنبه برای ادای احترام به تلاش شبانه‌روزی آتش‌نشانان شروع شده که در جای‌جای شهر آن را می‌بینید. در داخل ایستگاه آتش‌نشانی مرکز هم با خیل جمعیت تلاشگران این عرصه مواجه شدیم. جالب اینجا بود که اعضای کانون بازنشتگان آتش‌نشانی هم در ایستگاه

روایت

روایت احمد مسجد جامعی از تهران‌گردی‌ای که به حادثه پلاسکو اختصاص یافت

آتش‌نشانی! تو خیلی انسانی

حاضر شده بودند تا تجربیات خود را در سال‌های کار و فعالیت، در اختیار نسل جوان قرار دهند. به خدمت شهروندان عزیز عرض کنم که اطلاعاتی که از میزان خسارت‌های جانی و مالی این حادثه در ایستگاه آتش‌نشانی به بنده اعلام شد، با بسیاری از اطلاعاتی که به صورت شایعه شنیده و ردوبدل می‌شود تفاوت فاحشی داشت.

به سه بیمارستان تهران هم سر زدیم تا از آتش‌نشانیان مصدوم حادثه پلاسکو دیدار کنیم. آنها را در بیمارستان‌های کسری، پارس و فیروزگر یافتیم. درحالی‌که ما از زنده‌ماندنشان شاد بودیم، آنها اندوهگین از غم یارانی بودند که نتوانستند از میان شعله‌های آتش خود را نجات دهند، چراکه تا آخرین لحظه به فکر نجات دیگران بودند. گوهر چنین روحیه ایثارگران‌های چنان کمیاب شده که هرگز نباید آنان را فراموش کرد و با چشم‌های اشک‌بار قدردانشان بود و برای جبران اندکی از این ایثار خانواده‌ها فرزندان‌شان را هرگز از یاد نبریم.

یادداشت

مستأجران پلاسکو بخوانند

موجر مواجه می‌شد؛ بنابراین مستأجران این ملک اگر هم می‌خواستند، نمی‌توانستند درباره ایمن‌سازی کلی آن اقدام کنند و این کار را باید موجر انجام می‌داد. (نه) اینک این حادثه اتفاق افتاده و کل مغازه‌های پلاسکو از بین رفته است؛ بنابراین آنچه مسلم است، حق کسب و پیشه و تجارت مستأجران که حقی مکتسب و ثابت است، از بین نرفته و موجود است.

(ده) علاوه‌براین، در زمان جنگ تحمیلی اگر درست به خاطر داشته باشیم، در کرمانشاه موشک عراقی به مغازه‌های برخورد کرد و آن را با خاک یکسان کرد. مستأجر با کمک مالی‌ای که ستاد بازسازی خرابی‌های جنگ به او کرده بود، اقدام به بازسازی بنا کرد؛ اما موجر از این اقدام مانعت کرد و دستور موقت گرفت؛ با این استدلال که به موجب قانون مدنی انهدام کامل عین مستأجره موجب بطلان عقد اجاره می‌شود و مستأجر حادثگی می‌تواند حق کسب و پیشه خود را با نظر کارشناسی، گرفته و دیگر حقی در این ملک مخروبه نخواهد داشت. دادگاه ادعای موجر را پذیرفت و استدلال کرد: هدمی (خرابی و انهدامی) که موجب متغی‌شدن عقد اجاره می‌شود، باید ناشی از عوامل طبیعی نظیر سیل و زلزله باشد، نه اصابت موشک و مانند آن؛ نظر دادگاه این بود که مستأجر می‌تواند به هزینه خود ملک را بازسازی کرده و به‌این‌ترتیب، مالک حق کسب و پیشه محل خواهد بود و طبق ضوابط قانون مدنی چون اعیان هم متعلق به اوست، موجر می‌تواند صرفاً از او اجاره‌بها دریافت کند و امکان تقاضای تخلیه ملک را نخواهد داشت. این نظر با نظر مشورتی اداره حقوقی قوه قضائیه مطبق است (بگذریم از اینکه بنده از لحاظ نظری با این استدلال موافقم یا خیر، آنچه مسلم است به نظر می‌رسد دکترین حقوقی ما همین نظر را در نهایت پذیرفته است).

با توجه به آنچه گفتیم، به نظر می‌رسد مستأجران پلاسکومی‌توانند با انجام مراحل قانونی و تأمین هزینه‌های بازسازی به نحوی از اتحان این بنا را نوسازی کرده و هر یک صاحب مغازه‌ای شوند، چنان‌که قبلاً داشته‌اند. بدیهی است مشخصات این مغازه‌داران در شهرداری و اداره دارایی و صنف مربوط و شاید در صورت‌جلسه تفکیکی مضبوط در اداره ثبت موجود است و مستأجران می‌توانند بر مینا و به استناد آن موقعیت ملک استیجاری خود را به نحو دقیق و روشن مشخص کرده و حتی بر مبنای آن نقشه‌بای جدید را تهیه کنند. گمان می‌کنم موجر ملک نیز از نظر مالی در شرایطی باشد که بتواند هزینه‌های لازم را به صورت وام و شاید قسمتی کمک بلاعوض در اختیار این مستأجران قرار دهد. والله اعلم.

چند پرسش درباره پلاسکو

- چرا مردم از مسیر کمک‌رسانی کنار نمی‌رفتند؟ غیر از اینکه شبکه خبر و برخی شبکه‌های دیگر درخواست می‌کردند مردم فیلم‌ها و عکس‌هایشان را برای آنها ارسال کنند. غیر از اینکه عده‌ای می‌خواستند از دارایی‌های خود، کاوصدوق‌ها و.. آنچه در آتش سوخته حمایت کنند؟ اما انسانیت نیز زیر پا قرار گرفته بود. این سؤال‌ها بارها پرسیده شد؛ ما ایرانیان کی آن قدر خودخواه شدیم که فیلم‌گرفتن از عذاب دیگران هم برایمان سرگرمی شد؟ عده‌ای نیز نوشتند: «به عده کاسب اومده بودن مطمئن بشن که مغازه فلائی نابود شده و همه مدارک از بین رفتن، چک داشتن انگار دست طرف.»
- چرا این‌قدر اطلاع‌رسانی همراه با تناقض بود؟ آیا هدف آماده‌کردن مردم برای رویارویی با فاجعه دهشتناکی است که برای آن عزای عمومی نیز کم است؟
- آیا همه مردم مزاحم بودند؟ گل‌بردن و شمع روشن‌کردن برای آتش‌نشانی‌ها، صف‌های طولانی انتقال خون، فقط بخشی از کارهای نیک مردم بود. فیزیوتراپی رایگان، اعلام آمادگی برای مشاوره‌های رایگان ازسوی روان‌پزشکان، حضور در اورژانس بیمارستان‌ها و حضور یک تیم جراح در کنار امداد‌رسانان حداقل کاری بود که پزشکان هم انجام دادند و این نکته را نباید فراموش کرد.
- چرا در عکس‌ها و فیلم‌ها دیده می‌شد که نردبان آتش‌نشانی به طبقه ۱۰- ۱۱ رسیده بود. درحالی‌که ساختمان پلاسکو ۱۷ طبقه است؟ چرا آتش در پلاسکو خاموش نشد؟ یکی از جواب‌ها این بود که حافظی، عضو شورای شهر، در مراد گفته بود: از ۱۴۰ میلیارد بودجه ارتقای تجهیزات آتش‌نشانی، فقط ۲۵ میلیاردش پرداخت شده است.
- چرا شهرداری با وجود اخطارهای آتش‌نشانی، کاری برای پیشگیری انجام نداده است؟ مگر شهرداری نباید ساختمان فاقد ایمنی را تعطیل کند؟ مگر شهرداری نباید تجهیزات آتش‌نشانی بخرد؟
- آینده ساختمان پلاسکوکه نابود شد چه می‌شود؟ این ساختمان در اختیار بنیاد مستضعفان بوده، حتی وضعیت مالکیت کسبه این ساختمان هنوز احصا نشده است.

خانواده محترم سجوقچی

مصیبت در گذشت مرحوم مغفور نوروزعلی سجوقچی

را تسلیت می‌گوییم. از خداوند منان برای آن مرحوم غفران

و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.

برنارد عزرائیلیان و همکاران در شرکت هاپ گروپ

بازگشت همه به سوی اوست

خانواده محترم سجوقچی

مصیبت در گذشت مرحوم مغفور نوروزعلی سجوقچی

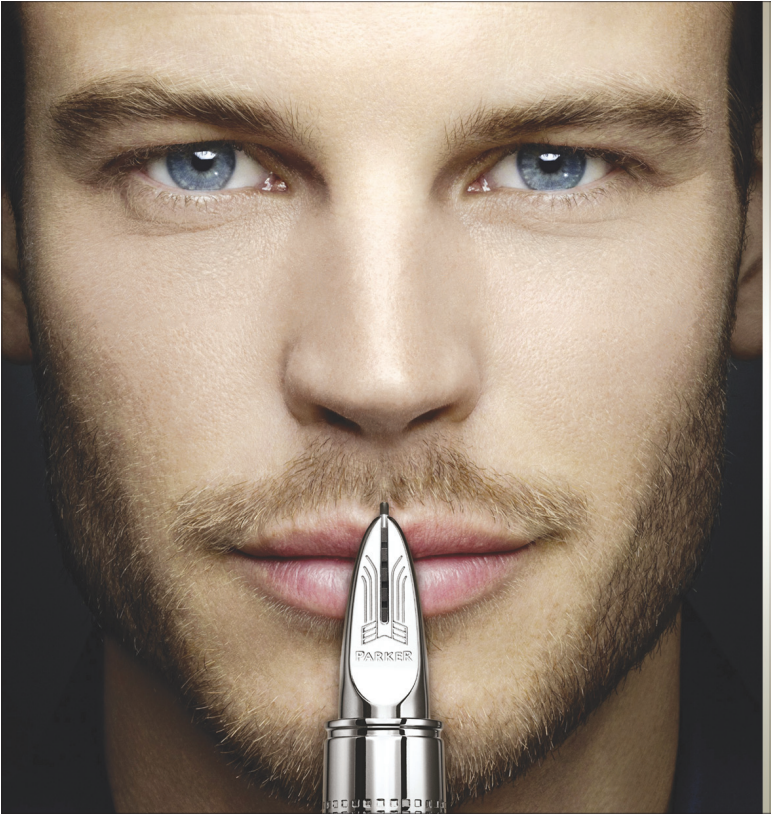
را تسلیت می‌گوییم. از خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت

و مغفرت و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.

رضا ابری و همکاران در شرکت آوای بنیس

سازمان آگهی‌های روزنامه شرق

۸۸۱۹۰۴۶۸-۸۸۱۹۳۹۷۹



پارکر



امور مشتریان: ۶۱۹۸۷۰۰۰

www.parker.co.ir

www.bidar.com

